

= رئیس سازمان انرژی اتمی گفته: در خاطرات سیاسی یک سری امور هست که تا آخر عمر نمی‌توان بیان کرد. خیلی از چیزها هست که نمی‌شود گفت. لذا اینها مکتوم می‌ماند. خیلی‌ها می‌گویند مکتوب کن ولی این کار تحلیل‌گران تاریخ است که مطالب را استنتاج کنند. هیچ جای دنیا اسرار تاریخی را بیان نمی‌کنند. بعضی مسائل قابل بیان است ولی احتیاط می‌کنند چون به برخی افراد بر می‌خورد.

علی اکبر صالحی در مراسم رونمایی از کتابش گفت: ابتدا جا دارد صمیمانه از بانیان این جلسه تشکر کنم. در مورد خیلی از صحبت‌هایی که دوستان صمیمانه و بدون شائبه گفتند من می‌دانم لایق آن نیستم. این هم یکی از الطاف الهی است. انسان‌ها در دورن خود بصیرت دارند. ممکن است انسان به دیگران واقعیت را نشان ندهد ولی خودش واقعیت را می‌داند.

وی افزود: ما هر کدام بشر هستیم و نواقص و کمالات خود را داریم، از اینکه توفیق دارم در این محفل حضور داشته باشم خوشحالم. این محفل را محفل دل‌ها می‌دانم. سخن گفتن در چنین جمع فرهیخته‌ای مشکل است. برای نوشتن کتاب، من کتاب‌های خاطرات متعددی را خواندم. در علم خودخواهی و مداحی نیست و باید آنچه حقیقت به شما می‌گویند منعکس کنید. در علم آرزو را نمی‌توان بیان کرد ولی وقتی به کتاب‌های ساجکتیو می‌رسید مساله مشکل می‌شود. در خصوص کتاب خاطرات کار به این دلیل مشکل است که اگر بخواهید بیان تجارب و احساسات کنید تجربه شخصی من این بوده که در فرهنگ شرقی بیان نواقص شخصی مطلوب نیست. می‌گویند چرا می‌نویسی؟ اما غربی‌ها برعکس می‌نشینند و روی نواقص خود تاکید دارند.

صالحی تاکید کرد: در این کتاب مواردی بود که در مورد آنها توصیه‌هایی مطرح شد. من سال اول ابتدایی مردود شدم. چون مدرسه را دوست نداشتم. پدر بزرگ من وقتی من را برای ثبت نام می‌برد من را می‌کشید. من فراری بودم. خانه ما در نزدیکی یک بازاری در کاظمین بود. من همیشه می‌دیدم بچه‌های هم سن من در مغازه‌ها کار می‌کردند و انعام می‌گرفتند من می‌گفتم دلم می‌خواهد انعام بگیرم.

رئیس سازمان انرژی اتمی خاطرنشان کرد: زمانی به پدرم می‌گفتم من می‌خواهم کار کنم گفتم می‌خواهم سیگار بفروشم. به من گفتند در کتاب سیگار را ننویس، در کتاب نوشتند جنس فروختم. آن موقع سیگار چیز بدی نبود همه علما و مراجع سیگار می‌کشیدند. وقتی می‌خواهید کتاب خاطرات بنویسید با فرهنگ شرقی می‌گفتند چیزهایی را ننویسید ولی اگر ننویسیم این کتاب رسالتش را انجام نمی‌دهد.

وی گفت: در مورد خاطرات سیاسی و جدی‌تر پیچیدگی بیشتر است. در خاطرات سیاسی یک سری امور هست که تا آخر عمر نمی‌توان بیان کرد. خیلی از چیزها هست که نمی‌شود گفت. لذا اینها مکتوم می‌ماند. خیلی‌ها می‌گویند مکتوب کن ولی این کار تحلیل‌گران تاریخ است که مطالب را استنتاج کنند. هیچ جای دنیا اسرار تاریخی را بیان نمی‌کنند. بعضی مسائل قابل بیان است ولی احتیاط می‌کنند چون به برخی افراد بر می‌خورد. ناچار شما باید در بیان مطالب مراقب باشید. این هم قید بزرگی است.

صالحی ادامه داد: مطلب بعد حس خودخواهی است. انسان خودخواه است و می‌خواهد حب مال و جاه داشته باشد. اگر شما بخواهید کتابی را بیان کنید باز رسالت خود را درست انجام ندادید و چیزهایی را می‌سازید. در مواردی رعایت انصاف است که غرض کنید ما با کشوری مشکل سیاسی داریم. شما در ملاقاتی که با مقامات آن کشور داشتید مسائلی مطرح کردند می‌بینید آنها حق گفتند. باید چه بگویید. مثلا بگویید فلان کشور متخاصم فلان حرف حق را زد. این بیان عین واقعیت با بی طرفی که بتوان استنتاج درست را ایجاد کرد بر اساس داده‌های درست سخت است.

رئیس سازمان انرژی اتمی گفت: من وقتی وارد وزارت خارجه شدم تنها پرونده مهم، هسته‌ای بود. یک هفته بعد تونس اتفاق افتاد و لیبی و مصر و الی آخر. خدمت یک فردی رسیدم گفتند چقدر خوش قدم بودی. در جلسه‌ای راجع به یکی از این کشورها بحث بود یک عزیزی اطلاعاتی ارائه کرد اطلاعات ارائه شده بر اساس اطلاعات قوی ما در وزارت خارجه در تناقض بود. آن فرد که اطلاعات می‌داد هم شخصیت بزرگی بود. من گفتم وظیفه من این است که بگویم. در وزارت خارجه باید دوربین و ضبط صوت باشد ولو ناخوشایند باشد و باید منعکس شود. هر صدای دلخراشی که شنیده شده باید منعکس کرد و نباید منظره را روتوش کرد. بر همین اساس گفتم من وظیفه دارم عین چیزی که می‌دانم بیان کنم که نظر این برادر درست نیست. البته برای من سنگین تمام شد. چنین مسائلی هم ما داریم که وقتی کتابی می‌نویسی حقیقت را بخواهی آنگونه که هست بیان کنی و گاهی این ملاحظات سیاسی در آن نهفته است.

وی خاطرنشان کرد: آرام‌آرام باید فرهنگ خود را به گونه‌ای جا بیندازیم که بیان این اتفاقات، مشکلی نداشته باشد. اگر در مسائل سیاسی موردی هست باید گفت. کتاب باید پیام هم داشته باشد و صرف یک رمان نباشد که ما رمان‌وار بخوانیم. کتاب حتی اگر رمان است باید پیام را به طور ضمنی برساند و پیام اصلاحی در ذهن رمان‌نویس باشد که خواننده آن را بگیرد.

صالحی گفت: کتاب باید خواندنی باشد و حوصله سر بر نباشد. کتاب سیاسی را اگر بخواهیم پر از الفاظ سیاسی باشد فایده ندارد. سعی کردیم با این کار کششی در کتاب ایجاد کنیم. اگر تاریخ صرف نوشتار گاه شمار باشد شاید مورد استفاده نباشد. اما اگر تاریخ تبدیل به روایت و داستان شود، مانند کاری که فردوسی کرد ماندگاری تاریخ در ذهن آحاد جامعه بیشتر می‌شود و

استفاده از حوادث تاریخ بهتر خواهد بود. پیام تحولات تاریخی در جامعه اگر به صورت روایت و داستان باشد عجین می‌شود با سنت و فرهنگ و ذهن. تاریخ و داستان و روایات باید در هم آمیخته باشد که جایگاه اجتماعی خود را پیدا کند. در این کتاب فصل‌هایی بوده که جا افتاده است در مورد برخی از کشورها فرصت نشد صحبت کنیم و امیدواریم در بخش‌های بعدی این کتاب را تکمیل کنیم.

رئیس سازمان انرژی اتمی تاکید کرد: من سه سال در وزارت خارجه بودم. زمانی آمدم که تحولات متعددی رخ داد مثل بیداری اسلامی در منطقه و بحث سفارت انگلیس و ۴۸ نفر گروگان‌ها در سوریه که می‌خواستند آنها را اعدام کنند. در لیبی، در هند در بلغارستان هر روز یک مشکلی بود و ما دنبال خیر خوب نبودیم. دوستان ما در وزارت خارجه بسیار افراد با تجربه کارشناس فهیم و کاردان هستند که اگر نبود راهنمایی‌های آنها قطعاً این سه سال با بحران‌های جدی روبه رو می‌شدیم.

صالحی یادآور شد: آقای آهنی صحبتی داشتند. سال ۹۰ وارد بحث تحریم‌های فلج‌کننده شدیم وزارت خارجه پیشاپیش اتفاق آتی که ممکن بود رخ دهد و کشور را در بن بست قرار دهد، می‌دید. نامه‌ای تدوین شد که بسیار تاریخی است. این نامه به رهبری نوشته شد در رابطه با این تحریم‌ها. این نامه هم هشدار نبود بلکه راهکار برون‌رفت هم داشت. رهبری تقریر خوبی داشتند که موجب افتخار وزارت خارجه است این نامه را اگر بخوانید نشان می‌دهد وزارت خارجه چقدر بیدار و تیزبین بود و چقدر درست تحلیل می‌کرد. همان اتفاقات رخ داد و همان راهکارهایی که ارائه شده بود موجب شد ما در ایام تحریم راه‌هایی را پیدا کنیم و تحریم را به گونه‌ای دور بزیم که فشار آن‌گونه که انتظار داشتند نباشد. نامه در ابتدای دولت روحانی به جهانگیری رسید و گفتند این نامه بسیار گویا است و ما باید این راهکار قرار دهیم.